



حوزه ناشناخته

محمد ولیان پور

۱. «حوزه، مادر نظام است... این شاید واضح‌ترین توصیف از رابطه حوزه علمیه با نظام اسلامی باشد؛ توصیفی که هم وابستگی نظام اسلامی به حوزه علمیه را تداعی می‌کند، هم نقش حمایت و نصیحت والد نسبت به فرزند و هم دغدغه حوزه نسبت به سرنوشت مولودش. این هم مشخص است که نظام اسلامی دوران نوباوگی خود را می‌گذراند و نیازمند توجه و مراقبت بیشتری است؛ با این توصیف باید منتظر بالندگی این نظام بود تا چون خلفی صالح، روی پای خود بایستد. اما آیا حوزه علمیه توانسته است چنین مسیر تکاملی را پیش پای نظام اسلامی ترسیم کند؟

۲. حوزه برای تأثیرگذاری بر نظام اسلامی، ناگزیر از توسعه کمی و کیفی است؛ یک حوزه ضعیف نمی‌تواند مولود فره‌ای که ادعایی جهانی دارد را در مسیر نگاه دارد و با مدعیان متعددی که ادعای حاکمیت سیاسی دارند، دست‌وپنجه نرم کند. حوزه‌های علمیه در طول تاریخ در نسبت با جامعه و برای پاسخ‌گویی به نیازهای زمان شکل گرفته‌اند و بنابر مقتضای تاریخی خود و برای حفاظت هرچه بیشتر از جور حکام، حصاری از ابهام بر گرد خود تنیده‌اند. اما امروز چگونه می‌توان با این ابهام، به توسعه حوزه پرداخت؟

۳. حوزه علمیه ناشناخته است؛ نهادهی با پیشینه هزار ساله، که کم‌تر در بیرون از دیوارهایش نمود ساختاری داشته است. گرچه ارتباط تاریخی و دلبستگی متقابل روحانیت با مردم، همیشه برقرار بوده است، اما همین مردم نیز آشنایی چندانی با درون نهاد حوزه ندارند و تصویر مبهمی از آغاز و فرجام طلبگی، درس‌ها و بحث‌های حوزه و نقش‌ها و وظایف متعدد روحانیت در ذهن دارند. هر نهادهی برای توسعه، ناگزیر به جذب نیروی انسانی کارآمد است؛ اما حوزه ناشناخته، چگونه می‌تواند برای این نیروها جذاب باشد؟

۴. حوزه ناشناخته، این نهاد مهم را از چشمان بازیگران صحنه علمی کشور دور کرده است؛ حوزه باید دیده شود تا بتواند بر صفحه پُر نقش نقشه علمی کشور، اثری در خور بنگارد و وحدت ناگزیر حوزه و دانشگاه را در افق بالندگی نظام اسلامی، به دست خود ترسیم کند. افقی که در آن، حوزه علمیه نظامی هم‌عرض سایر نظام‌های آموزشی و ارزشی نیست؛ بلکه نظام آموزشی و ارزشی جامعه، چیزی جز نظام مطلوب حوزه علمیه نخواهد بود و از سکولاریسم ساختاری در عرصه آموزش، اثری نخواهد ماند.

۵. حوزه خراسان، «دومین حوزه علمیه» شیعه است؛ اما «مزیت‌های نسبی» می‌توانند این حوزه را در عرصه‌هایی به «اولین حوزه علمیه» تبدیل کنند. بنابر این به جای تأکید بر نقش‌های عمومی حوزه‌های علمیه می‌تواند بر داشته‌های تاریخی و بومی خود تکیه کند و از سرمایه‌هایی چون ادبیات، تبلیغ، زیارت، هم‌جواری با شرق و... به درستی بهره گیرد. «نگاه مرکز‌گرا به قم و تهران» است که حوزه علمیه خراسان را از مزیت‌ها باز می‌دارد و به ابهامی مضاعف دچار می‌کند.

۶. ظرفیت‌های منطقه‌ای حوزه علمیه خراسان همچنان ناشناخته است و برنامه خاصی برای زوار داخلی و خارجی، شرق دور و نزدیک و آسیای میانه به چشم نمی‌خورد. چرا با وجود چنین حوزه قدرتمندی در شرق کشور و امکان بازیگری منطقه‌ای، تشیع در کشورهای شرقی و همسایه خراسان همچنان در اقلیت مطلق است و فقدان استراتژی و برنامه‌های توسعه‌ای به پیش‌روی رقبای منطقه‌ای در منطقه و استان منجر شده است؟

۷. حوزه علمیه خراسان «محدود» است و با وجود «تهدید» ذاتی موجود در محدودیت، «فرصت»‌های بی‌بدیلی برای تحول و پیشرفت دارد. تمرکز مدیریت و وفاق نسبی در بدنه حوزه خراسان، با وجود همه تهدیداتی که ممکن است داشته باشد، این حوزه را آماده‌پذیرش طرح‌های تحولی و پیشرو می‌کند. بدیهی است که این مهم بدون توجه به مطالعات میدانی و نظارت عمومی علما و فضایی فرهیخته این حوزه، فرجام خوبی نخواهد داشت.

۸. ناشناخته بودن حوزه، فرصتی برای حل درونی مسائل آن است؛ اما از آن‌جا که «دین»، موضوع فعالیت حوزه و حوزویان است، تعدد و تنوع مسائل برون‌حوزوی ممکن است عمده نگاه حوزویان را به بیرون از حوزه معطوف کرده و از درون بازدارد. این غفلت از مسائل درونی حوزه، تهدیدی است که ممکن است به نهادینه شدن مسائل و مشکلات، در غیاب ناظران بیرونی بیانجامد. این امر عزم جدی برای تحلیل درونی مسائل و پیش‌بینی نهادهی برای رصد مسائل حوزه را می‌طلبد.

و در خاتمه: این ویژه‌نامه در صدد است قدری از ابهامات را برطرف کند، اندکی از ظرفیت‌های حوزه علمیه خراسان را بشناساند و به واکاوی روابط حوزه علمیه، به‌ویژه حوزه علمیه خراسان با نظام اسلامی بپردازد. در این مسیر از نظرات ده‌ها تن از بزرگان و صاحب‌نظران حوزه علمیه استفاده کردیم و توفیق مصاحبت با دیگر بزرگان، با وجود مراجعه به‌قدر وسع، به دلایل مختلف میسر نشد. از بزرگانی که قبول زحمت کردند سپاس‌گذاریم و نزد سایر بزرگان نیز اعتذار می‌بریم و امید آن داریم که این اندک، برکت یابد.